

تاریخ نگاری محلی حلب در دوره میانه (سده های ششم تا دهم هجری)

آمنه باقری^۱، مریم شریف پور^۲

^۱ استادیار گروه معارف دانشگاه آزاد علوم پزشکی تهران.

^۲ استادیار گروه معارف دانشگاه آزاد علوم پزشکی تهران.

نویسنده مسئول:

مریم شریف پور

شماره ۱۸ / زمستان ۱۳۹۸ / ص ۷۸-۸۵
مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)

چکیده

در این جستار سیر تاریخ نگاری حلب در دوره میانه بررسی شده است. در سده ششم هجری، دوره پیدایش، سه وقایع نامه محلی در باب این شهر نوشته شد: ۱. المفوف نوشته الآثاری (د.پس از ۵۵۴هـ)؛ ۲. تاریخ ملوک حلب از ابن ابی جرادة (۵۵۱.د)؛ ۳. تاریخ العظیمی نگاشته ابن نزار تنوخی (۵۵۶هـ). در سده هفتم، دوره شکوفایی، ابن عدیم (د.۶۶۰هـ) دو تاریخ محلی خویش بَغِیَةُ الطَّلَب فی تاریخ حلب و زُبْدَةُ الحَلَب من تاریخ حَلَب را نگاشت که شهرت و مقبولیت بسیاری یافتند. در سده های هشتم تا دهم، دوره گسترش، به پیروی از ابن عدیم و در تکمیل دو کتاب وی، چندین تاریخ حلب نگاشته شد، از آنجمله است: حَضْرَةُ النَدِیم من تاریخ ابن العدیم از ابن حبیب حلبی (د.۷۷۹هـ)؛ الدَّرُ الْمُنتَخَب فی تاریخ الحلب نوشته ابن خطیب ناصریه (د.۸۴۳هـ). کنوز الذهب فی تاریخ حلب از ابن سبط عجمی (د.۸۸۴هـ)؛ الدَّرُ الْمُنتَخَب فی تاریخ مَمْلَکَةِ حَلَب نوشته ابن شحنه صغیر (د.۸۹۰هـ) و دو کتاب دُرُ الحَبَب فی تاریخ اعیان حلب و الزُّبْد و الضَّرَب فی تاریخ الحلب نوشته ابن عبدالرحمان ابن حَنْبَلِی (د. ۹۷۱هـ).

کلید واژه: تاریخ نگاری اسلامی، تاریخ نگاری محلی، تاریخ های محلی حلب، ابن عدیم، بَغِیَةُ الطَّلَب، زُبْدَةُ الحَلَب.

مقدمه

تاریخ نگاری محلی حلب به درستی با نام مورخ بزرگ و برجسته ابن عدیم (د. ۶۶۰هـ) پیوند خورده است، اما مورخان دیگری نیز پیش و پس از وی دست به نگارش تاریخ هایی در باب حلب زده اند. حلب، دومین شهر بزرگ شام، از سده چهارم هجری بویژه از روزگار باشکوه سیف الدوله حمدانی (حک: ۳۳۳-۳۵۶هـ) به یکی از کانون های فکری و فرهنگی مسلمانان تبدیل شد و شماری از ادیبان و دانشوران در آنجا بالیدند و آثار بسیاری در در دانش های گوناگون ادبی و نقلی و عقلی نگاشتند. اگرچه نگارش تاریخ های محلی در میان مسلمانان از سده سوم هجری آغاز شده بود، اما نگارش تاریخ های محلی در باب حلب سه سده بعد، در سده ششم هجری، آغاز گردید. در این جستار، سیر و دوره های تاریخ نگاری محلی حلب از سده ششم تا دهم هجری، روزگار سلطه عثمانیان بر شام، بررسی خواهد شد.

نخستین تاریخ های محلی حلب

بنابر منابع و فهرست ها، نخستین تاریخ های محلی حلب در سده ششم هجری نگاشته شده است. در این سده، سه تاریخ حلب به رشته تحریر درآمد: ۱. المفوف یا تاریخ حلب نوشته ابوالفوارس حمدان بن عبدالرحیم الأثاری^۳ (د. پس از ۵۴۲هـ)؛ ۲. تاریخ ملوک حلب یا ذکر ملوک حلب نوشته علی بن عبد الله بن ابی جراده^۴ (د. ۵۵۱هـ)؛ ۳. تاریخ العظیمی یا تاریخ حلب نوشته ابن نزار تنوخی^۵ (د. ۵۵۶هـ).

نخستین تاریخ محلی حلب، المفوف یا تاریخ حلب نگاشته ابوالفوارس حمدان بن عبدالرحیم الأثاری (د. ۵۴۲هـ) ادیب، شاعر، کاتب و طبیب^۶ است (یاقوت، معجم الادباء، ۱/ ۵۱۰-۵۱۲). یاقوت در معجم البلدان ذیل «اثارب» تنها اشاره کرده که حمدان بن عبدالرحیم اثاری «تاریخ» ی نیز نگاشته است. ابن عدیم که شرح حال مفصلی از حمدان اثاری به دست داده، آورده: «کتابی نگاشت در تاریخ حلب از سال ۴۹۰ که متضمن اخبار فرنگان و روزگار و هجوم آنان به شام از سال مذکور و پس از آن بود و آن را «المفوف» نامید (ابن عدیم، بغیة الطلب، ۶/ ۲۹۲۷). ابن میسر از این کتاب با نام «سیره الإفرنج الخارجین إلى بلاد الإسلام فی هذه السنین» یاد کرده و ابن شداد «أخبار الفرنجة» و سخاوی آن را «الفتوح» نامیده است. با اینکه زادگاه وی، معراثا الاثارب در دست فرنگان (صلیبیان) بود، وی بدانجا رفت و در پی درخواست او، فرمانروای فرنگی، دیه «مربونیه» را به وی پیشکش کرد. چند سالی در میان فرنگان زندگی کرد که سرزنش دوست و مورخ همعصرش ابوالحسن بن ابی جراده را در پی داشت (یاقوت، معجم الادباء، ۵۱۱/۱).

تاریخ ملوک حلب یا ذکر ملوک حلب نوشته ابوالحسن علی بن عبدالله بن ابی جراده عقیلی انطاکی (د. ۵۴۰هـ)^۷ وی در ۴۶۱هـ در حلب زاده شد، در باب انطاکیه بالید و در ۵۱۷ هجری در طلب حدیث به بغداد رفت. به گفته یاقوت، وی امامی مذهب و نرمخوی و خوش محضر بود و در ادب و لغت و نجوم آگاهی داشت (یاقوت، معجم الادباء، ۲/ ۷۹۷-۷۹۸). ابن عدیم از کتاب وی با نام ذکر ملوک حلب یاد کرده (ابن عدیم، بغیة الطلب، ۴۰۸۲/۹).

تاریخ حلب/تاریخ العظیمی^۸ تألیف محمد بن علی بن محمد بن احمد بن نزار تنوخی، مکتبی به ابوعبدالله ومشهور به عظیمی^۹ (د. ۵۵۶هـ) از فاضلان حلب است. شیوه تدوین این کتاب در میان تاریخ های اسلامی کم نظیر است. کتاب مشتمل بر دو بخش است: عظیمی در بخش نخست پس از اشاره به تاریخ انبیا از حضرت آدم و پیامبران پس از وی به ذکر سیره نبوی می پردازد و در ادامه تاریخ خلفا را ذیل نام هر خلیفه از ابوبکر تا المقتدی لاملله (سی و یکمین خلیفه عباسی، حک: ۵۳۰-۵۵۵هـ)، خلیفه معاصر خویش، بیان می دارد (نک: عظیمی، ۴۱-۱۴۲). در بخش دوم به شیوه سال شمار رویدادهای سال اول تا سال ۵۳۸ هجری (قس: حاجی خلیفه، ۱/ ۲۹۸ که سال ۵۳۲ هجری را ذکر می کند) را روایت می کند (نک: عظیمی، ۱۵۷-۳۹۸). در میانه این دو بخش در دو صفحه (همان، ۱۵۳-۱۵۴) در سیاهه ای ناقص و پراشتباه به ذکر نام های شاهان اساطیری و

^۳ اثارب دژی است در میان «حلب» و «انطاکیه» که حدود سه فرسنگ از حلب بدور است (یاقوت، معجم البلدان، ذیل «اثارب»).

^۴ درباره وی و کتابش نک: عصام مصطفی عقله و یوسف احمد بنی یاسین، «المؤرخ حمدان الاثاری (۴۶۰-۱۰۶۸هـ/ ۱۱۴۷-۱۰۶۸م)» و کتابه «سیره الإفرنج الخارجین إلى بلاد الإسلام» دراسة فی اول کتاب تاریخ عربی اسلامی عن الحملة الصلیبیه الأولى، بحوث ودراسات مهداة الى محمد عدنان البخیث، عمان، الجامعة الأردنية، ۲۰۱۳م.

^۵ در مدخل «آل ابی جراده» در دایرة المعارف بزرگ اسلامی (۱/ ۵۴۴-۵۴۷) که به شخصیت های علمی و سیاسی این خاندان پرداخته، هیچ ذکری از وی نرفته است.

^۶ به کوشش ابراهیم زعور، دمشق، ۱۹۸۴م.

^۷ درباره وی و کتابش نک: عباس العزاوی، «مؤرخ حلبی أو العظیمی و تاریخه»، مجلة المجمع اللغة العربیة بدمشق، المجلد الثامن عشر، ربيع الأول و ربيع الثاني ۱۳۶۲ - العدد ۵ و ۶ صص ۱۹۹ تا ۲۰۹.

تاریخی ایران که همه را «بنی ساسان» می خواند، می پردازد. به طور کلی کتاب بیشتر به تواریخ عمومی شباهت دارد تا تاریخ های محلی؛ با این همه بخش عمده آن به تاریخ حلب به صورت سال شمار اختصاص دارد و از این روی می توان آن را در زمره تواریخ محلی حلب شمرد. ابن خلکان در وفیات الاعیان از این کتاب، بهره برده است (ابن خلکان، ۲۲۵/۱، ۳۲۸/۲، ۲۰۷/۳).

ابن عدیم و شکوفایی تاریخ نگاری محلی حلب

ابوالقاسم کمال الدین عمر بن احمد بن ابی جراحه عقیلی حلبی معروف به ابن عدیم (د. ۶۶۰هـ)، فقیه، مورخ و ادیب قرن هفتم هجری در ۵۸۸ هجری در منطقه بیت عریق حلب زاده شد (زیدان، ۱۸۵/۳ و ابوالفداء، ۲۱۵/۳). وی از خاندان ابی جراحه^۸ بود که از اعیان و بزرگان مذهبی، علمی و سیاسی حلب در سده های یکم تا هفتم هجری بودند (یاقوت، معجم الادباء، ۹۰۲/۲). حلب در این زمان زیر سلطه خاندان ایوبی (۵۶۷-۶۴۸هـ) و یکی از کانون های علمی و فرهنگی جهان اسلام بود؛ مراکز علمی و آموزشی، کثرت علما و رشد و شکوفایی علوم در رشته های مختلف همگی گواه بر این مدعاست. ابن عدیم در هفت سالگی به مکتب رفت و در نه سالگی قرآن را ختم کرد و با پی نهادن به سن ده سالگی به آموختن دیگر علوم پرداخت. (ابن خلکان، ۳۴۲/۳) در بیست و هشت سالگی به پایه ای از فضل و دانش رسید که به عنوان استاد مدرسه حلاویه حلب برگزیده شد (ذهبی، ۸۴/۲) و پس از آن به منصب قضاوت حلب دست یافت. چندین بار نیز به عنوان سفیر به شهرهای دیگر ناحیه شامات و جزیره، آناتولی، بغداد و قاهره اعزام گردید (ابن عدیم، زبده الحلب، ۶۷۶/۲-۶۷۷). مهم ترین ماموریت سیاسی او، عزیمتش به مصر پس از حمله مغول به بغداد است. در سال ۶۵۷ هجری در آستانه هجوم هولاکو خان مغول به شام، ابن عدیم از سوی حاکم این سرزمین از راه فلسطین به مصر رفت تا از مصر برای دفع یورش مغولان یاری بخواهد. (ابن کثیر، ۲۱۵/۱۳) در مصر از او به گرمی استقبال شد و بر اثر تلاش های او حاکم مصر سپاهی آماده ساخت تا به یاری شامیان بشتابد (ابن کثیر، ۲۱۵/۱۳). در سال ۶۵۹ هجری که مغولان از حلب بیرون رفتند، ابن عدیم دوباره به حلب بازگشت و از آنچه مغولان بر سر حلب آورده بودند، چنان سخت آزرده شد که طاقت ماندن در حلب را نداشت؛ پس، دوباره به مصر بازگشت و در قاهره سکنی گزید (مقریزی، ۴۷۶/۱). ابن عدیم در ۶۶۰ هـ در مصر درگذشت و در جایی در طورسینا به خاک سپرده شد (ذهبی، ۳۰۰/۳ و ابن ظهیر، ۱۰۷).

ابن عدیم دو اثر در باب تاریخ حلب دارد که یکی فرهنگی زندگی نامه ای است با عنوان بُغیة الطَّلَب فی تاریخ حلب که در میان مورخان هم عصر و پس از وی با نام «تاریخ حلب» از آن یاد می شود و دیگری وقایع نامه ای محلی است با نام زبده الحلب من تاریخ حلب. بُغیة الطَّلَب فی تاریخ حلب ابن عدیم در تاریخ نگاری محلی شام به طور عام و تاریخ نگاری محلی حلب به طور خاص جایگاهی بلند دارد. بُغیة الطَّلَب فی تاریخ حلب، ۳۰ جلد (یافعی، ۱۵۹/۴) یا ۴۰ جلد (ابن کثیر، ۲۳۶/۱۳؛ ابن عدیم، ۵۲/۱) بوده که اکنون ۱۰ جلد آن موجود است. در بُغیة همچون سایر فرهنگ نامه های زندگی نامه ای مانند تاریخ بغداد خطیب بغدادی (د. ۴۶۴هـ) و تاریخ مدینة دمشق ابن عساکر (د. ۵۷۱هـ) که بر شهری خاص تمرکز دارند، پیش از ذکر تراجم و زندگی نامه ها، بخشی به جغرافیا و توپوگرافی (موضع نگاری) آن شهر اختصاص یافته است؛ به همین شیوه جلد اول بُغیة، به جغرافیای حلب و نواحی پیرامون آن در شمال شام می پردازد. (ابن عدیم، بُغیة الطَّلَب، ۲/۱-۹) در این بخش هم از جغرافیای ریاضی و هم از جغرافیای طبیعی و انسانی این منطقه سخن رفته است. به معادن و سنگ ها، دریاچه ها و رودخانه های منطقه (همان، ۶۵/۱-۷۰) اشاره شده و بابتی در فضایل حلب، با نقل روایاتی از نبی اکرم (ص) آورده شده است (همان، ۹۰/۱-۹۲). پس از ذکر فتح حلب به مزارات، قبور انبیاء و اولیاء، مقام ابراهیم (ع) (همان، ۷۱-۸۳) و مکان های خاص این منطقه (همان، ۸۳-۸۹) از ابتدا تا زمان خود، چه آن ها که ویران شده و چه آن ها که تا دوره مورخ باقی مانده، پرداخته (همان، ۹۹-۱۱۹). در پایان این جلد، به وصف شهرهای دیگر این منطقه نظیر قنسرین (همان، ۱۲۷/۱)، انطاکیه (همان، ۱۲۸-۱۵۹)، حماة (همان، ۱۸۵-۱۸۶) و طرسوس (همان، ۲۰۶-۲۴۷) می پردازد.

از جلد دوم تا پایان کتاب، شرح مفصلی است درباره زندگی ۲۰۸۰ تن از مشاهیر و رجالی که در دوره ای از حیات خویش در این منطقه حضور داشته اند. معیار ابن عدیم در بیان زندگی نامه مشاهیر تولد یا سکونت دائمی یا موقت افراد در شهر حلب بوده است. اسامی این افراد به ترتیب الفبایی آورده شده است. پس از آن بابتی در ذکر زندگی نامه افراد بر مبنای کنیه و القاب لحاظ شده است (همان، ۴۳۱۵/۹ و ۴۷۱۶/۱۰). سرگذشت افراد بسته به جایگاه علمی، فرهنگی و یا اجتماعی و سیاسی شان گاه در حد یک سطر است و گاه چندین صفحه است. (همان، ۶۳۹/۲ و ۹۲۷/۲) عناصر تشکیل دهنده عموم سرگذشت نامه های مذکور در کتاب بُغیة الطَّلَب بدین ترتیب است: الف) نام، نام پدر، نسب، لقب، کنیه و نسب، ب) تحصیلات، استادان و سفرهای علمی، ج) شاگردان، راویان، آثار مکتوب، د) جایگاه علمی فرد مورد نظر (در صورتی که عالم بوده باشد) و ذکر

^۸ برای این خاندان نک: «آل ابی جراحه»، دبا، ۵۴۴/۱-۵۴۷.

کرامات وی (اگر از صوفیه و زهاد بوده باشد) و نیز آراء سایرین درباره وی، (ه) مناصب دولتی یا حرفه و شغل شخص، (و) بیان احادیث (محدثین)، اشعار (شعرا) و حوادث سیاسی و تاریخی (دولتمردان) مربوط به فرد مورد نظر، (ز) تاریخ ولادت و وفات (در همه سرگذشت‌نامه‌ها بلا استثنا ذکر شده است) و همچنین در مواردی که امکانش وجود داشته به ذکر دلیل فوت شخص نیز پرداخته است. (همان، ۱۴۸۲/۳ و نیز ۱۵۸۷/۴ و نیز ۲۰۹۶/۵)

ابن عدیم در نگارش بغیة از منابع گونه‌گونی بهره برده است. این منابع را می‌توان ذیل سه عنوان دسته بندی کرد: الف) مشاهدات شخصی ب) منابع شفاهی ج) منابع مکتوب. (همان، ۱۹۶۳/۴، ۳۳۰/۲، ۲۵۸۱/۶ و ج.م) وی در تالیف کتابش به مناسبت موضوعات مختلف از منابع متنوعی بهره برده است؛ روایات شفاهی، اجازات، مدارک و اسناد دولتی، مشاهدات و ملاحظات، منابع دینی اعم از کتاب مقدس، قرآن و حدیث، منابع غیر دینی همچون کتب جغرافیایی، تواریخ عمومی، تواریخ محلی، تواریخ دودمانی، تراجم و زندگی نامه‌ها، انساب، فتوح و مغازی، الملاحم و الفتن و تشکیلات از این جمله هستند.^۹ (خیرالدع، ۱۷۹، ۲۶۲ و ج.م)

بغیة الطلب از جهت های فراوان و گوناگون مهم و برجسته است. بغیة منبعی پرمایه و پُر داده برای مطالعه در تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حلب و شام در سده های میانه است. در درجه نخست بغیة الطلب منبعی غنی و مهم برای بررسی شهر و جامعه شهری حلب در سده های چهارم تا هفتم هجری است. در جلد اول به جغرافیای حلب و مناطق همجوار آن (همان، ۱۱/۱۷۹، ۱/۷۴/۶۹)؛ پیشینه‌ای از تاریخ منطقه قبل از اسلام و بناهای باقی‌مانده از آن دوران می‌پردازد. (همان، ۱/۱۱/۱۴۳/۵۴) در همین بخش وی به فعالیت های عمرانی انوشیروان در این مناطق اشاره می‌کند (همان، ۱/۱۱/۱۶۵، ۱/۵۱/۹۱) و به مقایسه آثار باز مانده از معماری ایرانی و رومی می‌پردازد و تصریح می‌کند که ایرانیان در ساخت بنا از خشت مخصوصی استفاده می‌کنند که در فارسی به آن «آجر» گفته می‌شود ولی مصالح رومیان عموماً از سنگ بوده است. (همان، ۱/۱۱/۵۱/۱۶۵، ۱/۵۲/۶۶) در بغیة داده های فراوانی درباره موقعیت و معماری سازه های شهری چون مسجدها، (همان، ۱/۱۱/۱۳۹، ۱/۹۲/۸۸) قلعه‌ها، (همان، ۱/۱۱/۵۲/۶۳) مسافرخانه‌ها (همان، ۱/۱۱/۶۷/۶۷) و کاروانسراها (همان، ۱/۱۵۱/۱) و بازارها (همان، ۱/۱۱/۱۴۹/۹۱) به دست داده شده است (همان، ۱/۱۱/۶۷/۵۱، ۱/۵۱/۸۷/۷۳). درباره پیشه ها و خدمات شهری نیز گزارش هایی ارزشمند در بغیة یافت می‌شود؛ مثلاً این که در حلب از فاضلاب حمام‌ها جهت صنایع چرم، رنگرزی یا ساخت سفال و آجر استفاده می‌شد (همان، ۱/۱۴۲/۱) و یا اینکه آب باران را در تانکرهایی جهت مصرف آشامیدنی ذخیره می‌کردند. (همان، ۱/۱۴۱/۱) درباره اقتصاد و بازرگانی نیز در رابطه با محصولات کشاورزی گزارش های ابن عدیم توأم با دقت بسیاری است. چنان‌که علاوه بر نام بردن از میوه ها و محصولات، (همان، ۱/۱۱/۶۶/۱۳۴) کیفیت و نحوه صادرات آنها به سایر مناطق را نیز آورده است. مثلاً از اندازه گندم‌های حلب (همان، ۱/۱۱/۸۹/۹۰) و یا ارسال زیتون به عراق سخن به میان می‌آورد. (همان، ۱/۶۸/۱)

در جای جای کتاب آگاهی های فراوانی درباره آموزش و زندگی عالمان در حلب مدرسه ها، مسجدها و استادان و شاگردان مذاهب گوناگون اسلامی به دست داده شده است. مدارس نسبت به سایر اماکن غیر نظامی جایگاه ویژه‌ای نزد ابن عدیم دارند. وی علاوه بر وجه تسمیه، توصیف بنای مدرسه، موقعیت جغرافیایی آن به استادان و نیز مذاهب مورد توجه در هریک از مدارس توجه داشته است. حتی درباره فارغ التحصیلان مدارس نیز سخن رانده است (همان، ۱/۱۱/۶۵/۱۳۹).

بغیة الطلب برای بررسی تاریخ سیاسی و نظامی حلب و سرزمین های پیرامون آن در شمال شام نیز دارای اهمیت است. به عنوان نمونه گزارش های مفصلی از جنگ‌های صلیبی و هجوم صلیبی‌ها به انطاکیه، حلب و سایر نقاط شمال شام دارد. ابن عدیم گاه منطقه به منطقه (همان، ۱/۱۱/۱۳۵/۱۳) و بعضاً محله به محله (همان، ۱/۱۱/۱۳۹/۹۱) به درگیری های میدانی بین صلیبی ها و مسلمین پرداخته است؛ اهمیت این گزارش‌ها وقتی دو چندان می‌شود که عمدتاً خالی از جانبداری است. مثلاً وی در توصیف اهالی برخی مناطق مسیحی نشین انطاکیه نه تنها موضع منفی نمی‌گیرد بلکه بی‌طرفانه به توصیف سجایای اخلاقی و محسنات آنها می‌پردازد (همان، ۱/۱۱/۸۹/۹۰).

ابن عدیم کتابی دیگر در تاریخ حلب دارد که شهرت آن کم از بغیة الطلب نیست؛ این کتاب زبدة الحلب من تاریخ حلب نام دارد. انگیزه مولف از نگارش این اثر، اجابت خواسته دوستی بوده که از وی درخواست کرد درباره امیران و والیان شهر حلب اثری را به نگارش درآورد. سهیل زکار و سامی دهان (زکار، زبدة الحلب، ۸) معتقدند فرد مورد نظر ابن عدیم ملک عزیز ایوبی بوده است که ابن عدیم به علت رعایت مصالح سیاسی از ذکر صریح نام وی خودداری کرده است. (دهان، حیات ابن عدیم و آثاره، ۶۲) زبدة الحلب به لحاظ صورت و محتوا در گونه وقایع‌نامه های محلی جای

^۹ درباره منابع مورد استفاده ابن عدیم نک: خیرالدع، مریم محمد خیر، موارد ابن عدیم التاريخية ومنهجته فی کتاب (بغیة الطلب فی تاریخ حلب)، دمشق، دارالفکر، ۲۰۰۵ م.

می گیرد. در واقع این کتاب تاریخ سال شمار منطقه حلب است. مولف در این کتاب به شرح حال امرا، اعیان، ملوک پیش و بعد از اسلام حلب- مانند دولت رومیان، صلیبیان، صدراسلام، امویان، عباسیان، اخشیدیان، حمدانیان، فاطمیان، مرداسیان، سلجوقیان، باطنیه، ارتقیان، زنگیان، ایوبیان، و نیز کردها، عرب ها، مسلمانان و مسیحیان تا قرن هفتم هجری اشاره کرده است. روش مولف در این کتاب با دیگر کتاب تاریخی وی یعنی بغیة متفاوت است. شیوه تدوین زبده بیشتر به کتاب تاریخ دمشق ابن قلانسی مشابهت دارد.

در این باره که زبده الحلب ابن عدیم چه ارتباط و یا نسبتی با کتاب دیگر او بغیة الطلب دارد، دیدگاه های گونه گونی طرح شده است. ابن عدیم خود در مقدمه زبده الحلب، این کتاب را برگرفته از کتاب تاریخی بزرگ خود می داند و این چنین می گوید: "... و رسمته بزبده الحلب من تاریخ الحلب لانه متنزع من تاریخی الكبير للشهباء المرتب علی الحروف و الاسماء" (ابن عدیم، زبده الحلب، ۵). سامی دهان نویسنده سوری، ضمن تاکید بر تفاوتها و اشتراکات ساختاری و محتوایی این دو کتاب، اظهار داشته کتاب زبده خلاصه کتاب بغیة است. (دهان، حیات ابن عدیم و آثاره، ۶۲) رانیا عمر محمدابوالفتوح در کتاب خود با عنوان ابن العدیم مورخا که به تفصیل به زندگانی و آثار ابن عدیم پرداخته، با سامی دهان هم عقیده است. (عمر محمد، ۱۱۵) سیدصادق سجادی و هادی عالم زاده بر این نظرند که زبده الحلب اصلاً از کتاب دیگر ابن العدیم به نام بغیة فی تاریخ الحلب که فرهنگنامه ای تاریخی بر حسب موضوع و نام رجال و امرای شام است توسط خود نویسنده استخراج و به ترتیب توالی زمانی یا سال شمارانه تنظیم گردیده است (سجادی و عالم زاده، ۱۵۶). دانسته است که «زبده» در لغت و اصطلاح به معنای برگرفته و گزیده است نه خلاصه (ابن منظور ۳۱۷/۱؛ منجد، ۱۴۸، ۲۹۳). خلاصه کوتاه شده تمام بخش های یک اثر است بر اساس نظم موجود در اثر اصلی، ولی در گزیده مطالب گزینش شده ای از کتاب بدون التزام به حفظ نظم اثر ارائه می شود (یغما، ۱۶). از سوی دیگر این دو کتاب از نظر ساختاری نیز تفاوت های بارزی دارند. کتاب زبده تاریخ رویدادهای سرزمین حلب به روش سال شمار است و حال آنکه کتاب بغیة فرهنگنامه ای (الفبایی) است. علاوه بر این، تفاوت های محتوایی نیز در این دو کتاب مشهود است. این تفاوتها گاه حتی به تناقض نیز می انجامد؛ برای مثال در ذکر تعداد لشکریان سپاه علی (ع) و معاویه و نیز کشته شدگان صفین از هر دو طرف، در کتاب بغیة (ابن عدیم، بغیة الطلب، ۲۸۱/۱) و زبده (همان، ۲۱/۱) به وضوح اختلاف دیده می شود.

تاریخ های محلی حلب پس از ابن عدیم

آثار ابن عدیم به ویژه بغیة الطلب چندان اعتبار و مقبولیت در تاریخ نگاری محلی حلب یافت که تاریخ های پس از وی عموماً ذیل یا گزیده کتاب های وی بودند. در سده های هشتم تا دهم هجری همزمان با حکومت ممالیک (۶۴۸-۹۲۳ ه) که روزگار رونق تاریخ نویسی در مصر و شام بود، تاریخ های بسیاری در باب شهر حلب نگاشته شد.

الیواقیت والضرب فی تاریخ حلب^{۱۰} منسوب به مورخ و جغرافی دان، امیر ایوبی صاحب حماء، ابوالفداء (د. ۷۳۲ ه) نخستین تاریخ حلب نگاشته شده پس از ابن عدیم است. کتاب که وقایع نامه ای سال شمار است به تصریح مولف (ص ۲) منتخبی است از زبده الحلب فی تاریخ حلب ابن عدیم. حضره الندیم من تاریخ ابن العدیم نوشته شیخ طاهر بن حسن معروف بابن حبیب الحلبي (د. ۸۰۸ ه). وی فقیه، محدث، شاعر و کاتب دیوان در دوره مملوکیان بوده است (بروکلمان، ۷۸/۶). این کتاب که اکنون موجود نیست، خلاصه کتاب زبده الحلب فی تاریخ الحلب ابن عدیم بوده است (زرکلی، ۲۲۶/۲ و حنبلی، ۲۶۲/۲) و از این روی که خلاصه زبده بوده، قاعدتاً باید از گونه وقایع نامه ها بوده باشد.

الدر المنتخب فی تاریخ الحلب نوشته علی بن محمد بن خطیب ناصریه (د. ۸۴۳ ه) است (بروکلمان، ۷۷/۶). این کتاب ذیلی بر بغیة الطلب فی تاریخ حلب اثر ابن عدیم بوده و فرهنگنامه ای است که در آن به سرگذشت بزرگان پرداخته شده (ابن عجمی، ۱۲).

کنوز الذهب فی تاریخ حلب^{۱۱} نوشته احمد بن ابراهیم بن محمد الحلبي موفق الدین ابودر معروف به سبط ابن العجمی (د. ۸۸۴ ه)، فقیه و مورخ شافعی است. این کتاب در دو جزء تدوین شده است که جزء اول مشتمل بر سیزده فصل و جزء دوم به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است. کتاب ناقص به دست ما رسیده و از جزء اول فقط فصل پنجم موجود است. کنوز الذهب ذیل الدر المنتخب ابن خطیب ناصریه است و از این روی می توان آن را ذیل بغیة الطلب فی تاریخ حلب ابن عدیم دانست (ابن عجمی، ۵). در جزء اول، از شرح حال کسانی که در حلب مدفون گشته، عجایی که در آن ظاهر شده، مدارس این شهر، مکاتب ایتام، دروازه ها و باروها، نهرها، قنات ها، کنیسه ها و مانند آن سخن رفته است.

^{۱۰} حلب، دار القلم العربی، ۱۹۸۹ م.

^{۱۱} به کوشش شوقی شعث وفالح البکور، حلب، دار القلم العربی، ۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶ م.

در جزء دوم به ترتیب حروف الفبا به معرفی اعلام شهر حلب پرداخته و پس از آن نائبان(حاکمان) مملوکی حلب را معرفی کرده است (ابن عجمی، ۴۸۶-۴۹۲).

الدُرُ المنتخب فی تاریخ مملکة حلب^{۱۲} نوشته ابوالفضل محب الدین محمد بن محمد بن محمود (د. ۸۹۰هـ)، مورخ، محدث، قاضی، فقیه و اصولی است که برای رفع اشتباه با لقب پدرش، گاه او را ابن شحنة صغیر خوانده‌اند(بروکلمان، ۷۶/۶). ابن شحنة کتاب خود را تلخیص و تزییلی بر اطلاق الخطیره فی امراء الشام و الجزیره ابن شداد و بغیة الطلب فی تاریخ حلب ابن عدیم (نک: ص ۷-۸) معرفی می کند. کتاب طبق شیوه رایج با ذکر فضایل، تاریخ بنا، وجه تسمیه و چگونگی فتح حلب به دست مسلمانان آغاز شده و سپس به ذکر بناها، باروها، دروازه‌ها، آثار، مدارس، مساجد و حمام ها و دیگر مکان های حلب و و شهرهای پیرامون پرداخته است.

دُرُ الحَبّ فی تاریخ اعیان حلب^{۱۳} و الزُّبد و الضَّرْب فی تاریخ الحلب^{۱۴} نوشته ابوعبدالله رضی الدین محمد بن ابراهیم بن یوسف ابن عبدالرحمان ابن حَنَبَلِی (د. ۹۷۱هـ)^{۱۵} مورخ، لغت شناس، شاعر و فقیه حنفی مذهب. اشتها او به ابن حنبلی از باب انتساب به نیای بزرگش عبدالرحمان است که قاضی حنابلہ در حلب بود (ابن عماد حنبلی، ۶۳۵/۸؛ فاخوری و عبارہ، ۱(۱)، ۷). دُرُ الحَبّ فی تاریخ اعیان حلب از گونه فرهنگ‌های زندگی-نامه‌های است. افرادی که در این کتاب به شرح حال آنان پرداخته شده، از تنوع زیادی برخوردارند. در این کتاب به شرح حال رجال همه طبقات اعم از علما، صوفیان، قضات، امیران، اعیان، شعرا، نویسندگان، بازرگانان، هنرمندان و حتی آوازه‌خوانان پرداخته شده است. ابن حنبلی همچنین از شماری از زنان فاضل عصر خویش نام برده است. این کتاب مجموعاً ۶۳۳ شرح حال در بردارد که عمده آن‌ها ذیل سه حرف همزه، عین و میم قرار می‌گیرند(فاخوری و عبارہ، ۱(۱)، ۲۲-۲۳). دیگر کتاب ابن حنبلی، الزُّبد و الضَّرْب فی تاریخ حلب، مختصر و ذیل زبدۃ الحلب ابن العدیم است که تا ۹۵۱ هجری پیش آمده است (حاجی خلیفه، ۱/ ۹۴۹).

^{۱۲} دوبار چاپ شده است: به کوشش یوسف الیان سرکیس، بیروت، ۱۹۰۹م؛ به کوشش عبدالله محمد الدرویش، دمشق، دار الکتاب العربی، ۱۹۸۴م.

^{۱۳} به کوشش محمود حمد فاخوری و یحیی زکریا عبارہ، دمشق، وزارة الثقافة، ۱۹۷۲-۱۹۷۴م.

^{۱۴} به کوشش محمد تونجی، مرکز المخطوطات و التراث و الوثائق، جمعیه احياء التراث الاسلامی، ۱۹۸۸م.

^{۱۵} درباره زندگی و آثار وی نک: آذرنوش، «ابن حنبلی»، دبا، ۳/ ۳۷۳-۳۷۶.

نتیجه گیری

نگارش تاریخ های محلی در باب شهر حلب در سده ششم هجری آغاز شد. در این سده که می توان آن را دوره شکل گیری نامید، سه تاریخ حلب نگاشته شد که تنها یکی از آنها اکنون موجود است، اما از روی قطعه های باقی مانده در منابع دیگر توان دانست که هر سه از گونه وقایع نامه های محلی بود که به ترتیب زمانی (سال شماره) عمدتاً به گزارش رویدادهای سیاسی و نظامی پرداخته اند. در سده هفتم، دوره شکوفایی، مورخ نامدار ابن عدیم دو تاریخ محلی خویش بغیة (در گونه زندگی نامه) و زبده (در گونه وقایع نامه) را به رشته تحریر درآورد. روایت ها و داده های پر شمار فراهم آمده در این دو کتاب بویژه بغیة الطلب آنها را به یکی از منابع پرمایه در بررسی تاریخ اجتماعی و فرهنگی حلب و شام در سده های نخست و میانه اسلامی بدل کرده است. در سده های هشتم تا دهم، دوره گسترش، تاریخ های محلی بسیاری در قالب هر دو گونه، زندگی نامه و وقایع نامه، نگاشته شد که عمدتاً ذیل های و تکمله هایی بر دو کتاب ابن عدیم بودند.

منابع

- ابن خلکان، أحمد بن محمد بن أبي بكر، وفیات الأعیان وأنباء أبناء الزمان، به کوشش إحسان عباس، بیروت، دار صادر، ۱۹۷۲م.
- ابن شداد، عزالدین ابوعبدالله محمد بن علی بن ابراهیم، الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام و الجزیره، به کوشش یحیی زکریا عبار و دیگران، المعهد العلمی الفرنسی للدراسات العربیه، ۱۹۵۳م.
- ابن ظهیر، جمال الدین محمد بن محمد، الفضائل الباهره فی محاسن مصر والقاهره، به کوشش کامل المهندس ومصطفی السقا، القاهره، وزاره الثقافه، ۱۹۶۹م.
- ابن عدیم، عمر بن احمد، زبده الحلب من تاریخ حلب، به کوشش سهیل زکار، دمشق، دارالکتب العربی، ۱۴۲۵ق.
- همو، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، به کوشش سهیل زکار، دمشق، بی نا، ۱۹۸۸م.
- همو، تذکره الایاء و تسلیة الانباء = الدراری فی ذکر الذراری، به کوشش علاء عبدالوهاب محمد، بیروت، دارالهدایه، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م.
- ابن عساکر، ابی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبدالله الشافعی، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الامائل او احتاز بنواحیها من واردیها و اهلها، به کوشش علی شیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- ابن کثیر، إسماعیل بن عمر، البدایة و النهایة، بیروت، مکتبة المعارف، ۱۴۱۰ق / ۱۹۹۰م.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی تا.
- أبوالفداء، المختصر فی أخبار البشر، قاهره، المطبعة الحسینیة المصریة، بی تا.
- أبوالفتح، رانیا عمر محمد، ابن العدیم مورخا، قاهره، آفاق العربیه، ۲۰۱۳م.
- بخش معارف، «آل ابی جراحه»، دبا، ج ۱، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی تهران.
- بروکلمان، کارل، تاریخ الادب العربی، مصر، دار المعارف.
- حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، به کوشش محمد شرف الدین یالتقایا، لبنان، دار إحياء التراث العربی
- خیرالدین، مریم محمد خیر، موارد ابن عدیم التاریخیة و منهجہ فی کتاب (بغیة الطلب فی تاریخ حلب)، دمشق، دارالفکر، ۲۰۰۵م.
- دهان، سامی، حیات ابن عدیم و آثاره، دمشق، ۱۹۵۱م.
- همو، «پیدایش و گسترش تاریخ نگاری اسلامی در سوریه»، تاریخنگاری در اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره، ۱۳۹۴ش.
- عمر محمد ابوالفتح، رانیا، ابن العدیم مورخا، قاهره، الآفاق العربیه، ۲۰۱۳م.
- زرکلی، خیر الدین، قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۸۹۸م.
- محمد راغب الطباخ الحلبي، إعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، به کوشش محمد کمال، دمشق، دار القلم العربی، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م.
- یاقوت بن عبد الله حموی، معجم الأدباء، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش، ۱۳۸۱ش.
- همو، معجم البلدان، ترجمه علی نقی منزوی، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران، ۱۳۸ش.
- یغما، عادل، فن تلخیص کتاب، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۲ش.